کنند
حقوق التواب توبه در اصل بمعنی رجوع است پس نسبت توبه چون به بنده
رجوع از معصیت مراد است و چون بحق کنند رجوع برحمت و توفیق و قبول از وی
توبه عباد مراد است او ست آسان کننده اسباب توبه و توفیق دهنده توبه
بنده را بر رجوع و ندامت از معصیت و قبول کننده توبه او بنده را باید که در نا امیدی
بر بندد و دایم خود را بر در امید زنده دارد و توبه تاخیر نکند و تخلق آنست که از زلات
بنده های خدا اعراض کند و اعتذار قبول نماید و رجوع بکرم و احسان نسبت بمعتذر
کند هر که بعد از نماز چاشت صد بار بگوید اللهم اغفر لی و تب علی انک انت التواب
الغفور گناهان او آمرزیده شود کذا جاء فی کتب الحدیث المنتقم انتقام عقوبت
با درشتی کردن ان الله عزیز ذو انتقام پس انتقام که بعد از انذار و امهال
است اشد است و اغلظ از معاجلت و مسارعت او ست تعالی عقوبت
کننده کافران و متمردان بسبب کفر و گردن کشی و عاصیان و فاسقان را اگر
خواهد عقوبت کند و اگر خواهد ببخشد پس بنده را باید که از انتقام خدا ترسان
بوده از معاصی مجتنب باشد و تخلق آنست که در حفظ حدود و احکام شرع اهمال
و مساهله نکند و انتقام کشد از دشمنان دین خصوصا از اعدی الاعادی یعنی نفس تا در
عبادت تقصیر نماید العفو فعول است از عفو یعنی او ست محو کننده سیئات
و گذر کننده از عیوب و معاصی قریب بمعنی اسم الغفور لیکن ابلغ است زیرا که
غفران منبی است از ستر و کتمان و عفو مشعر است باعدام و محو بنده را باید که
با وجود کثرت معاصی امیدوار عفو باشد و تخلق آنست که تقصیرات مردم را
که نسبت به بنده است عفو نماید تا در زمره و العافین عن الناس باشد
الرؤف رافت بمعنی شدت و غلبه رحمت است و قیل منتهی رافت

کمالیت

کمالیت حال فاعل است در ایصال احسان و منشا رحمت کمالیت حال مرحوم است
در احتیاج بسوی احسان او ست سبحانه مهربان بر بندگان بارسال رسل و بیان
شرایع که موجب حفظ ایشانست از اسباب عقوبت آخرت پس عصمت از
زلت که مدلول رافت است ابلغ است از مغفرت معصیت که مدلول رحمت است
و بیان تعلق و تخلق در الرحمن الرحیم گذشت مالک الملک او ست تعالی یا صاحب
ملک صوری و ملک معنوی که عبارت است از نبوت و ولایت و علم و قناعت
و زهد و عزلت و صحت و عافیت و غیر ذلک تؤتی الملک من تشاء و تنزع
الملک ممن تشاء و نافذ است حکم و مشیت او در جمیع مخلوقات بایجاد و اعدام
و باقی معانی بر وجه تعلق و تخلق در اسم الملک گذشت ذو الجلال و الاکرام
مجموع یک اسم است او ست که صاحب نعوت جلالیه است و صاحب صفات
جمالیه است و او ست که صاحب هر جلال و کمال است نیست هیچ شرف مگر او راست
و او ست که صاحب هر کرامتست پس جلال صفت ذات اوست جل جلاله و اکرام
فعل اوست که فایض است بر بندگان از عموم نواله و لقد کرمنا بنی آدم بنده
چون شناخت که او ست ذو الجلال تذلل نماید بدرگاه او و او ست ذو الاکرام
شاکر باشد بر نعمتهای او و طمع از غیر او نکند و تخلق آنست که سعی کند در تحصیل
اسباب بزرگی و شرف و در انعام و اکرام بندگان المقسط قسوط جور و بیداد است
از باب ضرب و منه قوله تعالی و اما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا و اقساط
عدل و داد گستردن پس همزه افعال برای سلب است و منه قوله تعالی ان الله
یحب المقسطین او ست عادلی که انصاف مظلومان می گیرد و کمال این معنی
در روز قیامتست که ظالم و مظلوم را از یکدیگر راضی گرداند چنانکه در حدیث آمده است

Copyright © King Saud University